

«ایران» از گسترش اورژانس بانوان گزارش می‌دهد

پالسی امید

گزارش

مرجان قندی

گروه گزارش

صدای آرام اما قاطع اپراتور از پشت خط می‌آید: «اورژانس ۱۱۵، بفرمایید». پشت این جمله کوتاه، دنیایی از اضطراب و امید جریان دارد. زمانی که ثانیه‌ها حکم مرگ و زندگی دارند. اپراتور در حالی که با دقت مشکل تماس گیرنده را ثبت می‌کند، همزمان تلاش دارد با راهنمایی تلفنی نفس نوزادی را برگرداند یا قلب سالخورده‌ای را دوباره به تپش بیدازد. در همان لحظه نزدیک‌ترین آمبولانس به سمت آدرس تماس گیرنده روانه می‌شود. صدای آژیر در بزرگراه لحظه‌های حساس را برای همه یادآوری می‌کند، ثانیه‌های سرنوشت‌ساز که با چابکی، آرامش و مهارت تیم اورژانس به کمک جانی که در خطر است، می‌شتابند. اما همه مأموریت‌ها یکسان نیستند، برخی تماس‌ها نیازمند حضور نیروهای زن در فضاهای خاص یا خانواده‌هایی با شرایط فرهنگی ویژه‌اند. همین ضرورت بود که باعث شد در اردیبهشت ۱۳۹۷ اولین پایگاه اورژانس بانوان در تهران راه‌اندازی شود. پایگاهی که روزی تنها مرکز در تهران بود. امروز به ۳۲ نقطه در سراسر کشور گسترش یافته است. این پایگاه‌ها حضور زنان در عملیات‌های اورژانس را از یک انتخاب ساده فراتر برده و به ضروری حیاتی برای پاسخگویی کامل به نیازهای جامعه بدل کرده‌اند.

در جامعه ما حضور زنان در میدان‌های عملیاتی گاهی با نگاه‌های تردیدآمیز همراه است، اما زنانی هستند که با هر مأموریت نشان می‌دهند توان، جسارت و تخصص، جنسیت نمی‌شناسد. آنها با حضور خود، پالس امید را در زندگی به جریان می‌اندازند و ثابت می‌کنند امدادگری، بیش از هر چیز، به انسانیت و تعهد وابسته است. سعبیده مساح سال‌ها تجربه سخت پرستاری را پشت سر گذاشت و در میانه بحران‌ها و لحظه‌های مرگ و زندگی، راه خود را به بخش فوریت‌های پزشکی باز کرد. او ۴۷ سال سن، بیش از دو دهه، تجربه در حوزه فوریت‌های پزشکی دارد و از شهریور ۱۳۹۹ به‌عنوان مسئول اورژانس بانوان استان تهران، مدیریت یکی از حساس‌ترین حوزه‌های امدادی کشور را برعهده گرفته است. مسیر او گواهی روشنی بر عشق، جسارت و پایداری در خدمت به انسان‌هاست. با سابقه‌ای ۵۰ ساله دارد، نمی‌توان انتظار داشت اورژانس بانوان در مدت کوتاه به همان سطح برسد. اما حمایت‌های مدیریتی، جذب نیروهای متخصص زن و توسعه زیرساخت‌های فیزیکی، نویدبخش آینده‌ای روشن برای این بخش از خدمات درمانی است. مساح با اشاره به ضرورت شکل‌گیری این پایگاه‌ها می‌گوید: «سال‌ها بود که نیاز به راه‌اندازی اورژانس بانوان احساس می‌شد. تماس‌های زیادی داشتم که به‌دلیل شرایط خاص محل حادثه یا حضور مددجوی زن، امکان اعزام همکاران مرد محدود می‌شد.

تعللی وارد عمل می‌شود و تلاش می‌کند بدون کوچک‌ترین آسیبی، خدمات لازم را ارائه بدهد. حتی در مواردی که بیمار مرد نیاز به احیای قلبی داشته، همکاران ما بلافاصله اقدام کرده‌اند. بنابراین بین خدماتی که زنان در نقش کارشناس فوریت یا کاردان فوریت ارائه می‌دهند، هیچ تفاوتی با همکاران مرد وجود ندارد. فقط تفاوت در نحوه واگذاری مأموریت‌هاست، به‌طوری‌که اولویت اصلی در تخصیص مأموریت‌ها با زنان است، بویژه زمانی که مددجو با تماس گیرنده زن باشد.»

تقسیم مأموریت‌ها براساس جنسیت نیست
مساح با اشاره به شرایط خاص برخی مأموریت‌ها توضیح می‌دهد: «در مواردی که حادثه‌ای مانند آوار، تیرخوردگی یا شرایط مشابه رخ داده باشد، همکاران مرد در اولویت قرار می‌گیرند. دلیل این موضوع، فضای حادثه و شرایط آن است. بنابراین، تقسیم مأموریت‌ها بر اساس جنسیت نیست، بلکه براساس نوع حادثه انجام می‌شود.»
مسئول اورژانس بانوان استان تهران به ساختار تخصصی نیروهای اورژانس بانوان و فرآیند جذب آنها اشاره می‌کند و می‌گوید: «کارشناسان همه نیروهای ما متعهد به اخلاق حرفه‌ای و وظایف‌شان هستند.»

ترکیب تیمی و تکمیل توان امدادی
مسئول اورژانس بانوان استان تهران با بیان اینکه در پایگاه اورژانس بانوان اولویت با مددجویان زن است، اما در صورت نیاز و شرایط خاص، خدمات به بیماران مرد هم ارائه می‌شود، توضیح می‌دهد: «با افزایش تعداد نیروهای زن آموزش‌دیده در حوزه فوریت‌های پزشکی، بویژه از سال ۱۴۰۰ که آموزش کاردان‌ها و کارشناسان فوریت به‌طور جدی‌تری دنبال شد، زمینه برای گسترش اورژانس بانوان فراهم شد. این پایگاه با هدف رعایت بیشتر حریم شخصی مددجویان زن، بویژه در فضاهایی که این‌موضوع اهمیت بیشتری داشت، فعالیت می‌کند. در حال حاضر، اورژانس بانوان در چهار ناحیه شهر تهران شامل شمال، جنوب، شرق و غرب فعال است. اولویت اصلی این پایگاه‌ها ارائه خدمات به بانوان است، به‌طوری‌که در فرآیند تقسیم مأموریت‌ها در اداره ارتباطات اورژانس، اگر درخواست‌کننده یا مددجوزن باشد، در اولویت قرار می‌گیرد. با این حال، اگر پایگاه اورژانس بانوان به بیمار، چه زن و چه مرد نزدیک باشد، تیم ما بدون هیچ

«**بانیاز مددجو ارائه دهیم.**»
مسئول اورژانس بانوان استان تهران درباره حجم مأموریت‌های اورژانس بانوان در تهران می‌گوید: «میانگین تعداد مأموریت‌هایی که هر پایگاه بانوان در طول ۱۲ ساعت انجام می‌دهد، حدود ۵ تا ۶ مأموریت است. البته این عدد در برخی پایگاه‌ها ممکن است به ۹ یا ۱۰ مأموریت هم برسد و در برخی دیگر کمتر باشد. همان‌طور که گفتیم این تفاوت بیشتر از اینکه به جنسیت کارکنان مربوط باشد به عوامل محیطی و شرایط منطقه‌ای مربوط است.

فعالیت‌های بانوان در شیفت‌های ۱۲ ساعته، حتی اگر تا ساعت ۷:۳۰ شب ادامه داشته باشد، تأثیری بر کاهش مأموریت‌های‌شان ندارد. برعکس، چون ما در پایگاه بانوان روزگار هستیم، معمولاً در همان ساعات بیشترین فعالیت را داریم.»
مساح می‌گوید: «در دوران کرونا، تعداد مأموریت‌ها به‌شدت افزایش یافته بود، اما با کاهش وضعیت بحرانی و آرام‌تر شدن شرایط شهر، این عدد کاهش پیدا کرد. همچنین در روزهای تعطیل یا هنگام برگزاری مراسم و جشن‌های خاص، تعداد مأموریت‌ها در ساعات مشخصی بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، در تعطیلات چندروزه که شهر خلوت‌تر است، مأموریت‌ها کاهش می‌یابد. در نهایت، تعداد مأموریت‌ها کاملاً وابسته به وضعیت شهر و رویدادهای محلی است.»

مشکلات ساده‌ای

که به فوریت نیاز ندارند

مشکلات اصلی اورژانس شامل تناسب نداشتن ناوگان با حجم بحران‌ها، درک نادرست مردم از اورژانس و فشارهای اقتصادی و اجتماعی است که بر عملکرد تیم‌های اورژانس تأثیر منفی



می‌گذارد. مساح با بیان این‌موضوع می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین چالش‌ها به اولویت‌بندی مأموریت‌ها مربوط می‌شود. در موارد اورژانسی و فوری که نیاز به واکنش سریع هست، برچسب فوریت به مأموریت‌ها داده می‌شود و این موارد در اولویت قرار می‌گیرند. اما اغلب ما در ترافیک می‌مانیم و گاهی رانندگان حتی به آژیر آمبولانس هم توجهی نمی‌کنند. این موضوع باعث می‌شود تیم‌های اورژانس در لحظات حساس دیرتر به محل برسند و گاهی همان زمان طلایی برای نجات جان بیمار از دست می‌رود.» او با اشاره به برداشت نادرست برخی شهروندان از مفهوم اورژانس توضیح می‌دهد: «در بسیاری از موارد، مأموریت‌هایی که به تیم‌های اورژانس واگذار می‌شود، اولویت اورژانسی ندارند. متأسفانه برخی مردم نیازهای غیر اورژانسی مانند چک کردن قند خون یا گرفتن فشار خون را هم اورژانسی تلقی می‌کنند، در حالی که این خدمات در حیطه وظایف اورژانس نیست.»
مساح می‌گوید: «ناوگان اورژانس در شهر تهران، به‌دلیل حجم بالای بحران‌ها و جمعیت زیاد، کافی نیست و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای روزمره و اضطراری باشد. فشار کاری بر همکاران ما، بویژه در شرایط اقتصادی فعلی، افزایش یافته است. با افزایش نیاز مردم به خدمات اورژانس و کاهش رعایت استانداردهای بهداشتی، مراجعه به اورژانس ۱۱۵ بیشتر شده و این موضوع باعث کاهش کیفیت خدمات و تأخیر در پاسخگویی می‌شود.»

به گفته مساح اورژانس بانوان هنوز در مراحل اولیه توسعه قرار دارد و در حال شکل‌گیری است: «این روند به لطف حمایت‌های ریاست اورژانس ممکن شده

که فرصت‌های بیشتری برای گسترش فعالیت‌ها و جذب نیرو فراهم شود. در این مدت، مدیران و مسئولان حاضر در اورژانس کمک کرده‌اند تا شرایط برای فعالیت‌های بیشتر فراهم شود و بتوانیم خدمات بهتری ارائه دهیم.»
مسئول اورژانس بانوان استان تهران به گسترش فعالیت این بخش در سراسر کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «در بسیاری از شهرهای کشور از جمله رشت، ساوه و دیگر مناطق، اورژانس بانوان به‌طور فعال و جدی مشغول به کار است. نیاز اصلی ما در ابتدا، فراهم شدن فضای فیزیکی مناسب برای استقرار پایگاه‌های اورژانس است. شهرداری‌ها و نهادهایی که فضای مناسب دارند، می‌توانند در این زمینه کمک کنند. هدف ما این است که نهادهای سازمان‌ها و مکان‌هایی که فضای فیزیکی مناسب و تمایل به همکاری دارند، وارد عمل شوند تا بتوانیم پایگاه‌هایی برای بانوان و حتی مردان راه‌اندازی کنیم. این پایگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان مرکزی برای اورژانس بانوان عمل کنند و در نتیجه، خدمات‌رسانی بهتر و جامع‌تری ارائه دهند.»

زنان هم‌پای مردان

مسئول اورژانس بانوان استان تهران درباره انگیزه‌های شخصی‌اش برای پذیرش مسئولیت اورژانس بانوان توضیح می‌دهد: «این موضوع به شخصیت من برمی‌گردد، همیشه تمایل داشتم در حوزه عملیات به تجربه کسب کنم. در دوره طرح، به‌عنوان پرستار در اورژانس تهران شروع به کار کردم و در اداره ارتباطات اورژانس تهران (ادیسپج)، فعالیت داشتم. در دوره‌ای وارد بخش عملیات شدم، اما تجربه مسئولیت در این حوزه کاملاً متفاوت و چالش‌برانگیز بود. اما از آنجایی که همیشه دوست دارم چهره‌های بیشتری یاد بگیرم، خودم را درگیر این چالش کردم و آن را فرصت خوبی برای یادگیری



و توسعه مهارت‌هایم می‌دانم. این تجربه باعث شد فضای کاری بهتری را تجربه کنم و در کنار آموزش‌هایی که در اداره ارتباطات دیدم، توانستم فضای عملیات را هم تجربه کنم. در نهایت می‌توانم بگویم که هر دو حوزه، ارتباطات و عملیات، کارهایی بسیار سخت و پرچالش هستند.»
مساح به موضوع توانمندی‌های زنان و باورهای نادرستی که در جامعه نسبت به آنها وجود دارد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه زنان در بسیاری از موارد به توانمندی‌های خود باور ندارند و این کمبود اعتمادبه‌نفس از دوران کودکی به‌عنوان مادر یا والد، در اولویت دوم قرار می‌گیرد. زنان به برخی موارد، نتایج عمل نشان داده‌اند که توانایی‌های بسیار بالایی دارند و حتی در برخی موارد، نتایج بهتری از مردان ارائه داده‌اند.» او با نگاهی انتقادی به فضای نابرابر کاری میان زنان و مردان می‌گوید: «مردان همواره فضای بهتری برای کار داشته‌اند و اعتمادبه‌نفس بیشتری‌هم در آنها تقویت شده، در حالی که زنان در جامعه و خانواده کمتر مورد باور قرار گرفته‌اند، اما در عمل ثابت کرده‌اند که می‌توانند هم‌پای مردان فعالیت کنند.

حتی ترکیب همکاری زن و مرد می‌تواند فضای بهتری برای ارائه خدمات و پیشبرد امور جامعه ایجاد کند.»
مساح با تأکید بر اهمیت تقویت باور به توانمندی‌های زنان می‌گوید: «امیدوارم دختران این سرزمین بیش از پیش به توانایی‌های خود باور داشته باشند و در عرصه‌های مختلف، چه در دانشگاه و چه در جامعه، با قدرت بیشتری ظاهر شوند. باورهای نادرست و کمبود امکانات، گاهی مانع از بروز کامل توانمندی‌های زنان می‌شود. به همین دلیل، حمایت مدیران و مسئولان از زنان بسیار حیاتی است چراکه بدون این حمایت، مسیر پیشرفت برای زنان بسیار دشوار خواهد بود.»

دلایلی برای تغییر الگوی سنی در ازدواج زنان و مردان میانسال

سن تنها یک عدد است؟

گزارش

نیلوفر منصوروی

گروه گزارش

آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور نشان می‌دهد، به غیر از افزایش میانگین سن ازدواج، الگوهای سنی و جنسیتی نیز تغییر کرده‌اند. چندی پیش بهمن عبیدی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان در گفت‌وگو با «ایران» از تغییر الگوی سنی ازدواج در کشور خبر داده بود. او با اشاره به ثبت برخی ازدواج‌های خاص در داده‌های رسمی گفته بود: «در بین آمارهایک مورد ازدواج زن ۴۶۰ساله با مردی در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ساله دیده می‌شود. همچنین ۳۴ ازدواج میان زنان ۵۰ تا ۵۴ساله با مردان ۳۰ تا ۳۴ساله ثبت شده است. در گروه زنان ۴۰ تا ۴۴ساله، ۱۷ ازدواج با مردان ۳۰ تا ۳۴ساله انجام شده و ۱۵۱مورد نیز میان زنان ۳۵ تا ۳۹ساله با مردان رده سنی ۳۰ تا ۳۴ساله به ثبت رسیده است.

این داده‌ها بیانگر آن است که الگوی سنی ازدواج در کشور در حال تغییر است.»

تغییر در الگوی ازدواج نشان می‌دهد که زوجین کمتر به اختلاف سنی یکدیگر توجه می‌کنند و تمایل جوان‌ها به ازدواج با مسن‌ترها و همین‌طور مسن‌ترها با جوانان یکی از گونه‌های رایج ازدواج است که نه تنها در کشور ما بلکه در دنیا نیز وجود دارد.

جامعه‌شناسان و روانشناسان معتقدند، نمی‌توان با قطعیت گفت که این نوع ازدواج‌ها موفق نخواهد بود، اما قطعاً پیامدهایی دربردارد و آسیب‌های فردی و اجتماعی آن را نباید نادیده گرفت؛ چون با هنجارها و سنت‌های جامعه ایران سازگاری ندارد.

ناهیبد دهه شصت عمر خود را سپری می‌کند. او مدرک دکتری دارد و استاد دانشگاه است. چند سالی می‌شود که با هم‌مردی که ۱۰ سال از خودش کوچک‌تر است ازدواج کرده. ناهیبد معتقد است: «اختلاف سن نمی‌تواند معیاری برای عدم گزینش همسر باشد و با قطعیت نمی‌توان گفت که حتماً زن باید کوچک‌تر از مرد باشد. بسیاری از زنان و مردان بوده‌اند که با اختلاف سنی معکوس، سال‌ها‌ای سال با هم آمزش‌کنار هم زندگی کرده و هیچ‌گونه مشکلی هم نداشته‌اند، پس این مسأله قطعی و حتمی نیست. تشکیل خانواده

و خانواده‌ها اصولاً با این موضوع کنار نمی‌آیند؛ اما تجربه من ثابت کرده که این موضوع برای همه صدق نمی‌کند.

من و هم‌مردم که اختلاف سنی بالایی هم داریم، سال‌هاست که در کنار هم زندگی و کار می‌کنیم و مشکلی هم برای ما پیش نیامده است.» همسر او هم همین عقیده را دارد، الهام می‌گوید: «من هم در گذشته فکرمی کردم که هرگز با مردی که از خودم کوچک‌تر باشد ازدواج نخواهم کرد و از جدایی و به تقاهم رسیدن هراس داشتم. اما شرایط جامعه و نگاه به زندگی تغییر کرده و این موضوع بسته به خصوصیات اخلاقی و ذاتی طرفین، می‌تواند متفاوت باشد. مهم تقاهم و توافق بین زن و مرد است.»

میل به جش طبقاتی

از نظر جامعه‌شناسان و روانشناسان، اما واگرایی زیادی برای این نوع ازدواج‌ها وجود دارد. جامعه‌شناسان معتقدند این ازدواج‌ها به نوعی رواج پیدا کرده و با گذشت زمان گستردگی بیشتری یافته که متأسفانه ارتباط نزدیکی با مادی‌گرایی، مسائل اقتصادی و تغییرات ارزشی در سطح اجتماع دارد. فرهنگ جامعه در حال تغییر است، افراد به دنبال حساب و کتاب و کسب درآمد هستند و این موضوع به سمت خانواده‌ها هم آمده است، حتی در بعضی از ازدواج‌هایی که

در سنین بالاتر

نیاز به پذیرش، آرایش و صمیمیت اهمیت پیدا می‌کند. در نتیجه، تمایل به انتخاب همسر جوان‌تر در هر دوره می‌تواند نشانه پاسخ به یکی از این نیازها باشد؛ گاهی سالم و طبیعی، گاهی جبرانی و ناپایدار

راهی برای تجربه سفر و تفریح و حمایت باشد. حس جوانی، نشاط و انرژی خوب پیدا می‌کنند زیرا ارتباط با یک مرد جوان می‌تواند به آنها این حس را منتقل کند که هنوز در اوج انرژی و سرزندگی هستند. هم‌راهی با یک فرد جوان به آنها کمک می‌کند تا همچنان خود را توانمند و شاداب ببینند. از سوی دیگر از کلیشه‌های فرهنگی فرار می‌کنند و به شیوه‌ای آزادتر و با انعطاف بیشتری به زندگی خود ادامه می‌دهند. بنابراین برای عشق و سفر تمایل دارند که با مردان کوچک‌تر از خود ازدواج کنند.»

ثابت نبودن الگوی انتخاب همسر در طول زندگی
ریحانه صبوری‌نژاد، روانشناس معتقد است تمایل افراد به انتخاب همسر جوان‌تر، در سنین مختلف یکسان نیست و بسته به مرحله رشد روانی، نیازهای عاطفی و شرایط زندگی، تغییر می‌کند. این روانشناس با بیان اینکه الگوهای انتخاب همسر در دوران جوانی، میانسالی و سالمندی دچار دگرگونی می‌شود به «ایران» می‌گوید: «در جوانی معیار انتخاب همسر بیشتر تحت تأثیر جاذبه‌های ظاهری و هیجانات قرار دارد و جوانان معمولاً به دنبال عشق و صمیمیت و تجربه احساسی هستند.

در میانسالی افراد معمولاً تجربه زندگی بیشتری دارند و از مرحله هیجان‌محور عبور کرده و انتخاب همسر بیشتر بر پایه درک متقابل، ثبات روانی، نیاز به رشد، همفکری و حمایت عاطفی و احساس مفید بودن است. در سنین بالاتر و سالمندی، نیاز به پذیرش، آرامش و صمیمیت اهمیت پیدا می‌کند. در نتیجه، تمایل به انتخاب همسر جوان‌تر در هر دوره می‌تواند نشانه پاسخ به یکی از این نیازها باشد؛ گاهی سالم و طبیعی، گاهی جبرانی و ناپایدار.»

با این وجود او می‌گوید: «از دیدگاه زیستی و نظریه‌های تکاملی، تمایل بعضی از مردان به انتخاب همسر جوان‌تر، ریشه در جست‌وجوی ویژگی‌هایی دارد که نشانه سلامت و باروری بیشتر هستند. این تمایل، نوعی گرایش طبیعی برای حفظ نسل تلقی می‌شود. در مقابل، زنان معمولاً به دنبال مردانی هستند که بتوانند حمایت اقتصادی و عاطفی بیشتری فراهم کنند. مردان بزرگ‌تر معمولاً از نظر تجربه زندگی، ثبات شغلی و موقعیت اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارند، از این رو زنان در انتخاب همسر، ناخودآگاه به سمت مردان مسن‌تر گرایش پیدا می‌کنند. بنابراین، نمی‌توان گفت که الگوی انتخاب همسر در طول زندگی ثابت نیست و با تغییر سن، تجربه و

